

«یازده زندگی»

شرح حال خودنوشت

آوارگان فلسطینی در لبنان

«یازده زندگی» روایت‌هایی از بودوباش آوارگان فلسطینی در لبنان» مجموعه شرح‌حال‌های خودنوشت آوارگان فلسطینی، کاری از مؤسسه مدرسه نوشتن، به کوشش محمدعلی خالدی، ترجمه حبیب یوسف‌زاده و مقدمه‌ای از پرلا عیسی منتشر شد. این کتاب یازده روایت از زندگی یازده آواره فلسطینی درلبنان است که هرکدام زندگی، داستان و عقیده‌ای متفاوت را بازگویی‌کنند واز زندگی‌ها، عشق‌ها، حسرت‌ها و ناامی‌های خود گفته‌اند. برخی

روایت‌ها اعتراف‌گونه، برخی رسمی، برخی روایی و برخی دیگر خیال‌انگیزند که در کنار هم چشم مخاطب را به ابعاد مختلف «زندگی در تبعید فلسطینی‌ها» باز می‌کنند. کتاب با مقدمه پرلا عیسی با عنوان «روایت زندگی در آوارگی» آغاز می‌شود و با عناوین «دیوارنگاره‌هایی از روزگار سیری شده» از سالم یاسین، «هنوز نمرده‌ام» از میرا صیداولی، «غرغره‌ای یک آواره» از طه یونس، «از وقتی مادر شدم از زمستان منتفرم» از نادیه فهد، «گورستان



دعوق» از یوسف ننع، «طلسم چله زمستان» از یاقا طلال المصری، «حنین یعنی اشتیاق» از حنین محمد رشید، «قلبم از درخت توت آویزان است» از وداد طه، «خدیجه، مادرِ مادرم» از انتصار حجاج، «رویا ادامه دارد» از ربا رحمه و «یک مهاجرت و دو تبعید» از محمود محمد زیدان ادامه پیدا می‌کند. این یازده نویسنده از طریق فراخوان آزاد برای شرکت در کارگاه نویسندگی خلاق، زیر نظر نویسنده شهیر لبنانی، حسن داود، انتخاب شدند.

میهن پرستی جعلی در برابر تمدن ایرانی

اطلاق روز ۷ آبان به‌عنوان بزرگداشت کوروش، بدعتی است که صهیونیست‌ها برای تاریخ‌سازی به‌منظور سوءاستفاده از حس میهن دوستی ایرانیان ایجاد کرده‌اند



آرش شفاعی، گروه فرهنگ و هنر

اگر در ویکی‌پدیا به‌دنبال اطلاعات درباره «روز کوروش» باشید، به این عبارت برمی‌خورید: «روز کوروش بزرگ، در ۷ آبان (۲۹ اکتبر) یک روز در گاهشمار غیررسمی و ملی ایران در گرامیداشت کوروش بزرگ، بنیان‌گذار و نخستین پادشاه شاهنشاهی هخامنشی است. این روز امروزه به‌صورت جهانی گرمی داشته می‌شود.»

البته این توضیحات، مشمول تعریف اطلاعات گمراکننده است. عبارت گاهشمار غیررسمی و ملی، مفهوم بی‌معنایی است. گاهشمار ملی براساس تعریف مشخص روزها در تقویم رسمی و ملی تعیین می‌شود و گاهشمار غیررسمی، سندیّت و اعتباری برای ارجاع ندارد. چراکه ممکن است دارای ایرادات تاریخی باشد و در هیچ جای دنیا منبعی برای بزرگداشت یک روز محسوب نمی‌شود. همچنین این روز رسماً توسط کشورهای جهان گرمی داشته نمی‌شود و تاکنون در تقویم رسمی هیچ کشوری ثبت نشده و مقامات رسمی کشورهای جهان دراین باره واکنش مشخصی نشان نداده‌اند.

زندگی کوروش در هاله‌ای از افسانه

معمولاً روز بزرگداشت یک شخصیت، روز تولد یا مرگ اوست. در مورد زندگی کوروش اطلاعات دقیقی نداریم که بتوان یک روز خاص را به‌عنوان روز تولد یا مرگ او به‌صورت قطعی مشخص کرد. اگرچه برخی روایت‌های نه‌چندان مستند، تولد او را روز ۴ شهریور دانسته‌اند ولی واقعیت این است که تولد، زندگی و مرگ کوروش با داستان‌ها و افسانه‌های غیرمستند گره خورده است و از آنجا که مهم‌ترین منبع ما برای روایت زندگی کوروش، نوشته‌های هرودوت، تاریخ‌نگار جیهه دشمن است، نمی‌توان به‌صورت مستند درباره جزئیات زندگی او حرفی زد. هرودوت درباره این روز می‌نویسد که پدربزرگ کوروش، آستیاگ پادشاه ماد بود. او شبی در خواب دید که از بطن دخترش سیلی به راه افتاد که همه سرزمین ماد و تمام آسیا را غرق کرد. پادشاه سراسیمه نزد مغان رفت و آنها خوابش را این‌گونه تعبیر کردند دخترش فرزندی خواهد داشت که بر همه آسیا چیره خواهد شد. ماندانا، دختر آستیاگ، همسر یکی از بزرگان پارس شد. وقتی فرزند ماندانا به دنیا آمد، پدربزرگش خواب دیگری نزدیک به مضمون همان خواب قبلی دید. شاه ماد که از تعبیر خواب خود و نابودشدن سرزمین ماد ترسیده بود، از یکی از نزدیکان خود خواست توه کوچکی را به قتل برساند و او نیز نوزاد را به چوپانی به نام مهرداد سپرد تا او

را در معرض حمله جانوران وحشی قرار دهد؛ اما همسر چوپان که به‌تازگی فرزندش را از دست داده بود، از چوپان خواست تا به‌جای کشتن کوروش، جسد فرزند مرده را در چنگل رها سازد. بعدها وقتی کوروش کودکی (۵ساله) بود، پدربزرگش برحسب اتفاق او را دید و این بار مغان گفتند که خطر کوروش برای مادها برطرف شده است و به این ترتیب کوروش زنده ماند و بعدها به پادشاهی رسید. چنان‌که می‌بینیم، ساختار این افسانه، دارای ایرادات بسیار بوده و مشخص است که به‌دلیل اهمیت و شهرت کوروش در بزرگسالی خواسته‌اند زنده‌ماندن او را به نوعی در هاله‌ای از تقدس فرو ببرند. اما واقعیت این است که حتی در مورد این‌که آیا پدربزرگ کوروش واقعا پادشاه ماد بوده است، تردیدهای زیادی وجود دارد.

کوروش و فتح بابل

گره‌خوردگی زندگی کوروش با روایت‌های یهودی، به‌دلیل آن است که اگر رودادی و بزرگ‌منشی کوروش نبود، یهودیان که در بابل زیر ستم و سلطه بودند، نابود می‌شدند. او بعد از فتح بابل، یهودیان را آزاد کرد و اجازه داد به اورشلیم بازگردند. مهم‌ترین متنی که در طول تاریخ درباره فتح بابل به دست ما رسیده، رویدادنامه نیونعیداست که به بیان ماجراهای دوران پادشاهی نیونعید، شاه بابل و فتح این کشور به دست هخامنشیان پرداخته است. به روایت این کتیبه، کوروش

در روز سوم ماه ارخسمنوی بابلی وارد شهر بابل شد و مورد استقبال قرارگرفت و در بدو ورود، اسرای یهودی را آزاد کرد. این تاریخ را وقتی به تاریخ میلادی تبدیل می‌کنیم، می‌شود ۲۹ اکتبر و در تاریخ شمسی، این تاریخ ۷ آبان ۵۳۹ پیش از میلاد خواهد شد.

رد پای روز ۲۹ اکتبر از اینجا وارد روایت زندگی کوروش بزرگ می‌شود. به عبارتی ۷ آبان اصلاً روز تولد یا مرگ کوروش نیست، بلکه روز آزادشدن اسیران یهودی و امکان یافتن آنان برای بازگشت به بیت‌المقدس (اورشلیم) است. به‌عبارت‌دیگر این روز، برای یهودیان روز مهمی است و در حقیقت روزی است که آنان از مرگ و نابودی حتمی نجات یافتند. اما فکر نکند این روز تنها در تاریخ‌های دور در زندگی یهودیان اهمیت دارد. صهیونیست‌ها همواره از این روز استفاده کرده‌اند و برای آنان هم که قرآنی معجول از یهودیت را ارائه می‌دهند، روز مهمی است.

۷ آبان از کج‌آمد؟

رد پای روز ۲۹ اکتبر از اینجا وارد روایت زندگی کوروش بزرگ می‌شود. به عبارتی ۷ آبان اصلاً روز تولد یا مرگ کوروش نیست، بلکه روز آزادشدن اسیران یهودی و امکان یافتن آنان برای بازگشت به بیت‌المقدس (اورشلیم) است. به‌عبارت‌دیگر این روز، برای یهودیان روز مهمی است و در حقیقت روزی است که آنان از مرگ و نابودی حتمی نجات یافتند. اما فکر نکند این روز تنها در تاریخ‌های دور در زندگی یهودیان اهمیت دارد. صهیونیست‌ها همواره از این روز استفاده کرده‌اند و برای آنان هم که قرآنی معجول از یهودیت را ارائه می‌دهند، روز مهمی است.

۷ آبان، یک روز صهیونیستی

در ۲۹ اکتبر ۱۹۴۲ یعنی ۷ آبان ۱۳۲۱ شمسی، وینستون چرچیل، نخست‌وزیر بریتانیا نامه‌ای به اسقف اعظم کانتربری نوشت که سنگ‌بنای تأسیس دولت اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی شد. همچنین در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶ یعنی ۷ آبان ۱۳۳۵ رژیم صهیونیستی که حمایت دولت‌های فرانسه و انگلیس را با خود داشت، در یکی دیگر از اقدامات تجا و زرگانه خود با تهاجم به سرزمین مصر، صحرای سینا را اشغال کرد. روزی که به نماد پیروزی صهیونیست‌ها بر مسلمانان تبدیل شد. می‌بینیم که روز ۷ آبان، روزی است که برای صهیونیسم نماد همه چیز است: بقای آنان به‌عنوان یک قوم در دوران باستان، تأسیس یک دولت جعلی در دوران معاصر و بعد از آن توسعه‌طلبی و اشغالگری و شکست‌دادن

برش

چرا ۷ آبان آمریکایی – صهیونیستی، نه؟

جای این سؤال هست که چرا صهیونیست‌ها روی روز ۷ آبان سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟ زیرا با برگزاری این مراسم تاریخ تمدن چند هزار ساله ایرانی را به ۲۵۰۰ سال تقلیل می‌دهند و منبع تمدنی آن را به تاریخ جعلی صهیونیسم پیوند می‌زنند. گفتیم که این روز، روز مهمی در تاریخ شکل‌گیری دولت صهیونیستی است و همه دوره‌های بقا، تأسیس و استقرار این دولت جعلی را به شکل نمادین نمایندگی می‌کند. آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به دنبال آن هستند که با استفاده از احساسات عمیق میهن‌دوستانه ایرانیان و عشقی که به نمادهای ملی و تاریخی خود دارند، تاریخ جعلی خود درحالی که در طول تاریخ حکما و شاعران ایرانی باخلق اثر ایرانیان را از فتنه جهود بر حذر داشتند، بی‌روژه روز کوروش با سوءاستفاده از نام کوروش و جعل تاریخ، درصدد کمربنگ و بی‌رنگ کردن این خط میزاست.

قاب مقاومت

سلاح جدید

وارد می‌شود

عملیات شهادت‌طلبانه یک فلسطینی که با کامیون به صف نظامیان اسرائیلی زد و تعدادی از آنها را به هلاکت رساند و تعداد زیادی را هم مجروح کرد، بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت و نشان‌دهنده این بود که مردم فلسطین با وجود همه تدابیر امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی از هر فرصتی برای ضربه به اشغالگران استفاده می‌کنند. از نگاه بهاء سلمان، کاریکاتوربوست اردنی که دارای مدرک کارشناسی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه یرموک اردن است، سلاح جدیدی به نام «تصادف» وارد معادله مقاومت شده و اسرائیلی‌ها باید به فکر چاره‌ای برای این سلاح جدید باشند.

فرهنگ

سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۹۸۳

یادمان

جوان‌ترین صدای ایران

در ۸۰ سالگی درگذشت

آرشاک قوْکاسیان، اولین دوبلور مسیحی ایران، شامگاه یکشنبه ۶ آبان‌ماه از دنیا رفت. او که در ۸۰سالگی بدردود حیات گفت به‌خاطر ویژگی صدایش که معصومیت و نجابت در آن موج می‌زد، اغلب در نقش جوانان و نوجوانان صحبت می‌کرد.

آرشاک قوْکاسیان سال ۱۳۲۳ در یک خانواده ارمنی به‌دنیا آمد. پدرش به‌کار طلاسازی اشتغال داشت و او نیز در نوجوانی این حرفه را از پدرش آموخت. آرشاک کار حرفه‌ای دوبله را از سال ۱۳۴۲ شروع کرد. او ورود به دنیای دوبله و موفقیت خود در این حرفه را مدیون مدیران دوبلاژی چون هوشنگ لطیف‌پور، سعید شرافت و احمد رسول‌زاده می‌دانست.

ویژگی صدای قوْکاسیان او را ابتدا به وادی دوبله انیمیشن‌ها کشاند و اولین بار شخصیت تن‌تن و مجموعه فیلم‌هایش با صدای قوْکاسیان در میان مردم شناخته شد. انیمیشن «سفر به مرکز زمین» و صدایشگی در فیلم «جنگ ستارگان» این صدای قوْکاسیان را مورد توجه قرار داد. نوع سینمای بالیوود هم باعث شده تا این دوبلور خوش‌صدا جای بسیاری از شخصیت‌های سینمای هند صحبت کند. اما زمانی قوْکاسیان به اوج شهرت رسید که در نقش عمار فیلم «محمد رسول‌ا…» مصطفی عقدا صحبت کرد. صدای گیرا و معصومانه قوْکاسیان آن‌قدر بر نقش عمار خوش نشست که تکمیل‌کننده بازی گریک هاگون در این فیلم شد.



همین نجابت ذاتی صدای قوْکاسیان باعث شد تا او در سینمای ایران هم جای شخصیت‌های جوان و معصوم به کار گرفته شود و تقریباً صدای او کامل‌کننده بازی بازیگرانی همچون سعید کنگرانی شد. قوْکاسیان پس از انقلاب هم همین رویه را ادامه داد و بیشتر در نقش نوجوانان و جوانان صحبت می‌کرد و شاید به‌یادماندنی‌ترین نقش او پسر زینال بندری در فیلم «تارا» بود. البته در کارنامه کاری او فیلم‌های بزرگی همچون «بر باد رفته» به جای رند برکوس در نقش چارلز هیملتون، «گنسی بزرگ» به جای اسکات ویلسون در نقش جورج ویلسون، «۷ مرد ارشی» به جای الکساندر فو شنگ و «شاهزاده و گدا» به جای مارک لستر هم دیده می‌شود. قوْکاسیان که سال ۱۳۶۱ به کانادا رفت و تا سال ۱۳۸۸ در سکوت محض در آن کشور اقامت داشت و در حرفه طلاسازی فعالیت می‌کرد پس از بازگشت به ایران همکاری خود را با تلویزیون آغاز کرد و دوبلور اصلی سریال تلویزیونی «دارا و ندار» مسعود دهنمکی شد. صدای جاودان قوْکسیان و نقش او در دوبله ایران باعث شد تا مستند «قصه آرشاک» که سیزدهمین مستند از مجموعه مستندهای دوبله و صدا به تهیه‌کنندگی و کارگردانی ابوالفضل توکلی به این هنرمند اختصاص پیدا کند. او در این مستند ۵۷ دقیقه‌ای جنبه‌های مختلفی از زندگی کاری خود را بازگو می‌کند. آرشاک قوْکاسیان، صدای ماندگار هنر دوبله ایران چند سال پیش هم هم‌مان ارگ تاریخی رادیو بود و در این مصاحبه هم از عشق و علاقه خود به ایران گفت. آرشاک قوْکاسیان در سال‌های آخر عمر به بیماری آلزایمر مبتلا شده بود و سرانجام شامگاه یکشنبه ۶ آبان ۱۴۰۳ در کانادا درگذشت.



ا بزرگداشت کوروش

رویداد

خبر خوش از بهبود نسبی

رضا آشفته

شرایط جسمی رضا آشفته، منتقد و مترجم تئاتر روبه‌بهبود است و تاول‌های عفونی روی پوستش در حال خشک شدن و از بین رفتن هستند.

به‌گزارش روابط عمومی خانه‌تئاتر، فریال آذری که از ابتدا پیگیر درمان رضا آشفته است، درباره روند درمان این منتقد تئاتر گفت: روند پیگیری درمان رضا آشفته در مسیر مناسبی قرار دارد؛ زخم‌ها و تاول‌های دست، پا و بدن وی دیگر پیشرفت نکرده و بیشترشان خشک شده و در وضعیت بهبود قرار دارند. درمان‌های عفونت به‌لطف دکتر علوی پزشک معالج رضا آشفته در مسیر درست قرار گرفته. این اتفاق مسرت‌بخش نوید این را می‌دهد که می‌توان به زمان نزدیک‌شدن به پیوند کلیه وی امیدوار بود.

وی افزود: از سوی دیگر به مهر ورزشکاران پیشکسوت فوتبال استقلال تهران و هنرمندان پاساگردا یک مسابقه فوتبال در باشگاه ورزشی پیام در هفته آینده برای رضا آشفته تدارک دیده شده که جزئیات و زمان دقیق این مسابقه حتماً اطلاع‌رسانی خواهد شد.



اجرای پاییزی اردشیر

کامکار در تالار وحدت

اردشیر کامکار در اجرای آبان‌ماه خود با همراهی گروه یازده نفره از نوازندگان و خواننده، قطعاتی از موسیقی کردی را در تالار وحدت پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. برای این‌کسرت قطعات «مامه کرنو»، «لاتکوله»، «شکوفه باغ رغانلی»، «گریمانی»، «مکتب»، «سیرانه من»، «که نیله»، «عباس کمندی»، «که او جوانه»، «چپای مه»، «قاسم خان» و چند قطعه بداهه‌نوازی، تک‌نوازی و هم‌نوازی سازها درنظر گرفته شده است. اردشیر کامکار (سرپرست و آهنگساز و نوازنده کامانچه)، شاهرخ هدایتی (خواننده)، حامد پیرا (بالابان)، ماهور زمانه‌پور (کوبه‌ای)، تارا کامکار (بندیر)، پژمان نقشبندی (دف)، فرامروزی (کمانچه)، عباس جعفری (کمانچه)، زانبار پندار (دیوان)، پوریا وزیری (قانون)، مازیار یکتایار (تار) و کاوان کریمی (ستور) (اعضای این گروه را تشکیل می‌دهند. تالار وحدت از ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه جمعه ۸ آبان‌ماه میزبان این گروه موسیقی می‌شود. اردشیر کامکار متولد ۱۳۴۱ در سمنندج آهنگساز، نوازنده کمانچه، قیچک، دف و ویولن است. وی با استفاده از تکنیک‌های خاص ویولن و یویزیسیون‌های ویولن بر روی ساز کمانچه توانست چهره‌ای دیگر از این‌ساز به‌نمایش بگذارد.

